

استعاره و مجاز تصویری در کارتون‌های شهروندی با رویکرد شناختی؛ موضوع کتاب و کتاب‌خوانی

بهاره قادری نژاد^۱، مهناز کربلایی صادق^{۲*}، حیات عامری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

Pictorial Metaphor and Metonymy in Citizen Cartoons within the Cognitive Approach; A Case Study on Book and Book-reading

Bahare Ghaderinezhad¹, Mahnaz Karbalaei Sadegh^{2*}, Hayat Ameri³

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2021/10/09 Accepted: 2022/09/11

10.30473/il.2022.61138.1487

Abstract

The aim of this study is to investigate the role of pictorial metaphors in creating and conveying the message of citizen cartoons. For this purpose, in the form of a case study, seven cartoons on the topic of "books and book-reading" related to 2019 were extracted from several Persian-language websites and have been analyzed based on Conceptual Metaphor Theory (Lakoff & Johnson, 1980, 1999; Lakoff, 1993) and Multimodal Metaphor Theory (Forceville, 1996, 2008, 2009). The main objectives of research are what conceptual metaphors and pictorial metaphors have been used to express the concept of book-reading (or studying) and what their source domains are. The results show that metaphors of 'study is journey', 'study is agriculture', 'study is finding treasure', 'study is health (or life)', 'study is purification of mind', 'study is raining' and 'study is Light' are the underlying conceptual metaphors in the studied cartoons. In all these conceptual metaphors, the target domain (i.e. the study) is represented visually by the image of the book. The interaction between metaphor and metonymy plays a key role in the formation of pictorial metaphors and transmission of cartoon messages.

Keywords: Pictorial Metaphor, Conceptual Metaphor, Conceptual Metonymy, Cartoon, Citizen Cartoon, Book-reading, Sociolinguistics.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش استعاره‌های تصویری در انتقال پیام کارتون‌های شهروندی انجام گرفته است. برای این منظور، در قالب یک مطالعه موردی، تعداد هفت کارتون با موضوع «کتاب و کتاب‌خوانی» مربوط به سال ۱۳۹۸ به روش نمونه‌گیری هدفمند از چند وبگاه فارسی‌زبان داخلی استخراج و در چارچوب نظریه استعاره چندوجهی (فورسویل، ۱۹۹۶، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹) بررسی شده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که برای بیان مفهوم کتاب‌خوانی (یا مطالعه) از چه استعاره‌های مفهومی و چه استعاره‌های تصویری استفاده شده است و حوزه‌های مبدأ در این استعاره‌ها کدامند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استعاره‌های «مطالعه، سفر است»، «مطالعه، زراعت است»، «مطالعه، پیدا کردن گنج است»، «مطالعه، سلامتی (یا زندگی) است»، «مطالعه، پاکسازی ذهن است»، «مطالعه، بارندگی است» و «مطالعه، روشنایی است» استعاره‌های مفهومی زیربنایی در کارتون‌های مطالعه شده هستند. پیام کارتون‌ها مبتنی بر نوعی استدلال قیاسی است که در آن براساس رابطه میان مفاهیم مبدأ استعاری، در مورد رابطه میان مفاهیم مقصد استدلال صورت می‌گیرد. دستاورد کاربردی پژوهش این است که کارتونیست‌ها را نسبت به اهمیت و نقش استعاره در انتقال پیام کارتون‌ها و نحوه عملکرد و تعامل این فرایند شناختی آگاه می‌سازد و با توجه به انواع استعاره‌های تصویری، گزینه‌های مختلفی را برای صورت‌بندی پیام کارتون‌ها پیش روی آنها قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: استعاره تصویری، استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، کارتون، کارتون شهروندی، کتاب‌خوانی، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

بررسی کاربرد استعاره در حوزه‌های غیرکلامی صورت گرفته است (مانند فورسویل^۷؛ ۱۹۹۶، ۲۰۰۷؛ اوجا^۸؛ ۲۰۱۳) نشان می‌دهد که ادعای پیروان نظریه استعاره مفهومی ادعایی درست است و استعاره‌ها فقط محدود به زبان نیستند و در سایر جنبه‌های تفکر انسان از قبیل هنر، موسیقی، سینما، تبلیغات، کارتون و غیره نیز تجلی می‌یابند چرا که استعاره شیوه‌ای برای تفکر است.

هدف پژوهش حاضر این است که با انجام یک مطالعه موردی، نقش استعاره‌های تصویری را در انتقال پیام کارتون‌های شهروندی بررسی نماید. منظور از کارتون شهروندی کارتونی است که در آن مسائل و موضوعات مربوط به آیین شهروندی (یعنی مناسبات و الزامات مربوط به زندگی مطلوب شهروندان، مانند فرهنگ کتاب‌خوانی، فرهنگ ترافیک، حفظ محیط زیست و غیره) انعکاس می‌یابد. استعاره تصویری عبارت است از بازنمایی غیرزبانی تفکر استعاری به صورتی که یکی از حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره یا هر دو آنها در قالب تصویر بیان شوند (اوجا، ۲۰۱۳: XIII). پرسش اصلی پژوهش این است که برای بیان مفهوم کتاب‌خوانی یا مطالعه از چه استعاره‌های مفهومی‌ای استفاده شده است و حوزه‌های مبدأ در این استعاره‌ها کدامند؟

پیشینه

علی‌رغم اهمیت و فراوانی کاربرد استعاره‌های تصویری و تصویری-کلامی در انواع کارتونها، کاریکاتورها و پوسترهای فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی، آموزشی و غیره تاکنون پژوهشگران ایرانی توجه کافی به این نوع رسانه‌ها نکرده‌اند و فقط چند پژوهش محدود در این زمینه انجام گرفته است. بصائری و خزائی (۱۳۹۲) با هدف بررسی کاربرد استعاره و جلوه‌های آن در سطوح نظام‌های نشانه‌ای دیداری، به بررسی متخیی از پوسترهای عاشورایی پرداخته‌اند تا مشخص شود که استعاره در شکل‌گیری معنای این پوسترها چه نقشی دارد. در نهایت، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که استعاره در هر سه سطح نظام نشانه‌ای دیداری (شامل صورتانه، تجسمانه و مفهومانه) قابلیت ظهور دارد و کارکرد متفاوت آن در هر یک از این سه سطح موجب تجلی وجوه مختلفی از استعاره، پیدایش خوانش‌های متفاوت از سوی

در دنیای امروز که مبتنی بر تبادل اطلاعات از طریق رسانه‌های گوناگون شنیداری، دیداری و نوشتاری است، کارتونها نقش مهمی در خلق مفاهیم و انتقال آنها به مخاطبان دارند. در ابزارهای رسانه‌ای دیداری مانند کاریکاتور، کارتون، پوستر، بیلورد تبلیغاتی و مانند این‌ها استعاره‌ها نقش برجسته‌ای دارند و استعاره‌های به کاررفته در آنها غالباً از نوع استعاره تصویری^۱ یا تصویری-کلامی^۲ هستند. کارتونها و کاریکاتورها علاوه بر آنکه می‌توانند تولیدکننده و انتقال‌دهنده معنا باشند، به علت دارا بودن جلوه بصری جذابیت ویژه‌ای برای مخاطبان دارند و توجه آنها را به خود جلب می‌کنند. ادواردز و وینکلر^۳ (۱۹۹۷: ۳۶۰) کارتون را یک بازنمایی گرافیکی تعریف کرده است که معمولاً در یک قاب واحد و به صورت منفرد طراحی می‌شود تا دیدگاه و نظر خاصی را بیان کند. کارتون طرح بصری ساده‌ای است که می‌تواند برای بیان هر موضوع و مضمونی به کار رود. در آثار فارسی معمولاً به جای اصطلاح «کارتون» از لفظ «کاریکاتور» استفاده می‌شود اما بین این دو تفاوت ظریفی وجود دارد. کاریکاتور نوع خاصی از کارتون است که در آن چهره یا اعضای بدن فرد یا افرادی به صورت غیرعادی، مبالغه‌آمیز و مضحک ترسیم می‌گردد. همان‌طور که در ضرب‌المثل‌ها نیز گفته شده است، یک تصویر به اندازه هزار کلمه ارزش دارد^۴ و همین مزیت باعث شده است که رسانه‌های جمعی به صورت وسیع و متنوعی از کارتونها استفاده کنند و از طریق آنها پیام‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره را به مخاطبان خود منتقل سازند.

نظریه استعاره مفهومی^۵ (لیکاف و جانسون^۶؛ ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۹۳) از نظریه‌های رویکرد شناختی به زبان است که جزء ستون‌های اصلی این رویکرد به حساب می‌آید. یکی از اصول اساسی نظریه استعاره مفهومی این است که استعاره‌های زبانی صرفاً یکی از مظاهر و جلوه‌های استعاره‌های مفهومی‌اند. لیکاف این اصل را این‌گونه بیان می‌کند: استعاره زینت گفتار نیست بلکه شیوه‌ای برای تفکر است (۱۹۹۳: ۲۱۰). مطالعات زیادی که به منظور

1. pictorial/visual metaphor
2. verbo-pictorial metaphor
3. J. L. Edwards & C. K. Winkler
4. A picture is worth a thousand words
5. Conceptual Metaphor Theory
6. G. Lakoff and M. Johnson

7. C. Forceville

8. A. Ojha

پیام موردنظر روزنامه به مخاطبان منتقل خواهد شد. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که استعاره‌های تصویری روزنامه همشهری برای مخاطبان قابل درک هستند و در نتیجه، آگهی‌دهندگان موفق به انتقال پیام موردنظر خود به مخاطبان این روزنامه شده‌اند.

علاوه بر مطالعه موضوعات اجتماعی و فرهنگی در پوسترها و کارتون‌ها، پژوهش‌های اندکی نیز درباره کارتون‌های سیاسی صورت گرفته است که از بین آنها می‌توان به پوراابراهیم (۱۳۹۵) اشاره کرد که نحوه بازنمایی ایدئولوژی را در چند کاریکاتور سیاسی در چارچوب معناشناسی شناختی و تحلیل انتقادی گفتمان بررسی کرده است. وی با بررسی استعاره‌های تصویری و تصویری-کلامی در این کاریکاتورها نتیجه گرفته است که مفاهیمی مانند صلح، آزادی و جنگ از طریق دو روش تلفیق مفاهیم مبدأ و مقصد استعاری و پرکردن غیرمنتظره بخشی از یک طرحواره به صورت ایدئولوژیک بازنمایی شده‌اند. استعاره‌های به کاررفته در این کارتون‌ها نقش مهمی در انتقال پیام ایدئولوژیکی و خلق طنز سیاسی دارند.

در مطالعات غیرایرانیان نیز موارد متعددی از پژوهش درباره کارتون‌ها را می‌توان یافت که تمرکز آنها عمدتاً روی کارتون‌های سیاسی بوده‌است و از جمله تازه‌ترین موارد می‌توان به پژوهش کان^۲ (۲۰۱۹) درباره کارتون‌های سیاسی مرتبط با بحران هسته‌ای کره شمالی، سیلاشکی و دورویچ^۳ (۲۰۱۹) درباره کارتون‌های سیاسی مربوط به موضوع برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) و کرسیتیج و همکاران^۴ (۲۰۲۰) پیرامون موضوع اقتدارگرایی در کارتون‌های سیاسی صربستان اشاره کرد.

مبانی نظری

در این پژوهش به منظور بررسی نحوه عملکرد استعاره و مجاز در انتقال پیام کارتون‌های مرتبط با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی از نظریه استعاره چندوجهی فورسویل (۱۹۹۶، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹) استفاده می‌شود. مطالعات فورسویل درباره نقش استعاره در وجوه غیرزبانی مانند تبلیغات، کارتون، فیلم و غیره نشان داد که استعاره‌ها نقش بسیار قابل توجهی در بیان پیام‌های تبلیغاتی دارند. انتشار کتاب/استعاره چندوجهی

مخاطب و همچنین بروز معانی مختلفی از گفتمان موجود در پوسترها می‌شود.

پوراابراهیم (۱۳۹۳) براساس نظریه استعاره‌های چندوجهی^۱ فورسویل (۱۹۹۶، ۲۰۰۶) به تحلیل پنج پوستر مناسبی می‌پردازد. هر پوستر حاوی یکی از مفاهیم درخت‌کاری، کتاب‌خوانی، شهادت، میلاد پیامبر اکرم و هفته پژوهش است. هدف وی این است که بداند استعاره‌های تصویری-کلامی چگونه در این پوسترها ظاهر می‌شوند و چه نقشی در انتقال پیام پوسترها ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش پوراابراهیم نشان می‌دهد که کلام و تصویر در استعاره‌های کلامی-تصویری به صورت مکمل ولی با درجات مختلف، در انتقال پیام پوسترها نقش ایفا می‌کنند. در این استعاره‌ها ارتباط بین حوزه‌های مبدأ و مقصد به واسطه شباهت فیزیکی، پر کردن فضای خالی یکی از عبارت‌ها به شکل غیرمنتظره یا نشانه‌گذاری همزمان شکل می‌گیرد.

رضایی (۱۳۹۵) به منظور ارزیابی تناسب رویکرد فورسویل برای تحلیل پوسترهای ملی-مذهبی، کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های استعاره‌های ملی و مذهبی به لحاظ استفاده از کلام و تصویر و همچنین ارزیابی جهانی یا فرهنگ‌ویژه بودن این پوسترها، تعداد ۱۶ پوستر حاوی مفاهیم استعاری را بررسی می‌کند. براساس نتایج این مطالعه، شباهت بین استعاره‌های ملی و مذهبی این است که استعاره‌های حاوی یک عبارت تصویری در حوزه مبدأ یا مقصد در هر دو گروه کمتر است و تشبیه تصویری در هیچ کدام از آنها مشاهده نمی‌شود. تفاوت آنها در این است که در پوسترهای مذهبی کاربرد استعاره‌های کلامی-تصویری بیش از پوسترهای ملی است، اما در پوسترهای ملی کاربرد استعاره‌های حاوی دو عبارت تصویری بیشتر است.

غیاثیان و همکاران (۱۳۹۷) به منظور پاسخ به این سؤال که تصویرهای دیداری روزنامه همشهری چگونه می‌توانند با به کارگیری استعاره‌های تصویری به بحران کمبود آب و آلودگی هوا در کلان‌شهر تهران کمک کنند، به بررسی استعاره‌ها در این تصاویر پرداخته‌اند. فرض پژوهش این بوده‌است که اگر مغایرتی بین عناصر تشکیل‌دهنده استعاره‌های تصویری در رویکرد فورسویل (۲۰۰۶) و عناصر تشکیل‌دهنده استعاره‌های تصویری در روزنامه همشهری وجود نداشته باشد، آنگاه این تصویرهای دیداری شرایط لازم را خواهند داشت تا توسط مخاطبان درک شوند و در نتیجه

2. I. Kwon
3. N. Silaški & T. Đurovic
4. A. Krstić et al.

1. multimodal

فورسویل (۲۰۰۵، ۲۰۰۷) استعاره‌های تصویری را به چهار گروه تقسیم می‌کند: استعاره بافتی^۷، استعاره آمیخته^۸، استعاره یکپارچه^۹ و تشبیه تصویری^{۱۰}.

(۱) در استعاره بافتی یک تصویر در جایگاهی درون بافت و زمینه‌ای قرار می‌گیرد که آن جایگاه به‌طور طبیعی یا عرفی متعلق به مفهوم یا شیء دیگری است. آن مفهومی که بازنمایی می‌شود حوزه مبدأ و آن دیگری که جایگاهش با این پر شده است حوزه مقصد است. برای مثال، اگر داخل یک بشقاب غذاخوری با تصویری از کتاب روبرو شویم، استعاره «کتاب، غذا است» در ذهن ما شکل می‌گیرد.

(۲) در استعاره آمیخته دو تصویر متفاوت که متعلق به دو حوزه مفهومی متفاوتند به گونه‌ای با هم تلفیق می‌شوند که حاصل آن به صورت یک شیء یا گشتالت واحد و یکپارچه درک می‌شود. درک این نوع استعاره مستلزم آن است که یکی از بخش‌ها برحسب بخش دیگر درک شود. قرار دادن سر یک پلنگ بر تنه کریستین رونالدو در یک تصویر و خلق استعاره «کریستین رونالدو، پلنگ است» نمونه‌ای از استعاره آمیخته است.

(۳) در استعاره یکپارچه پدیده‌ای به عنوان یک شیء یا گشتالت واحد تجربه می‌شود که در کلیت خود و حتی بدون سرخ‌های بافتی به شیء یا گشتالت دیگری شباهت دارد. استعاره‌های تصویری آمیخته و یکپارچه هر دو متشکل از گشتالت واحد هستند اما تفاوت آنها در این است که گشتالت آمیخته در جهان واقع ناممکن است؛ در حالی گشتالت یکپارچه پدیده‌ای ممکن در جهان واقع است. پس در استعاره آمیخته، حوزه مقصد در عین حال حوزه مبدأ نیز هست، اما در استعاره آمیخته حوزه مقصد به صورتی باورپذیر به تصویر درمی‌آید تا شبیه حوزه مبدأ باشد. طراحی چراغ مطالعه به شکل بدن یک پرنده استعاره تصویری از نوع یکپارچه ایجاد می‌کند.

(۴) در تشبیه تصویری دو مفهوم یا شیء به گونه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند که یکی را به واسطه دیگری درک می‌کنیم. یکی از این دو حوزه مقصد است و دیگر حوزه مبدأ. برای نمونه، اگر تصویری از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران را در کنار تصویری از شیر ببینیم، استعاره «بازیکنان تیم

فورسویل و اوریوس-اپاریسی^۱، ۲۰۰۹) باعث رشد فزاینده‌ای در حجم مطالعات صورت گرفته درباره انواع استعاره‌های غیرزبانی شد.

فورسویل (۲۰۰۶، ۲۰۰۸) استعاره‌ها را به دو دسته کلی یکوجهی^۲ و چندوجهی تقسیم می‌کند. استعاره یکوجهی به استعاره‌ای گفته می‌شود که حوزه مبدأ و مقصد آن هر دو در یک وجه بازنمایی و بیان شوند. بنابراین، استعاره‌های تصویری، یعنی استعاره‌هایی که هر دو حوزه مبدأ و مقصد آنها در قالب تصویر بازنمایی می‌شوند، جزء استعاره‌های یکوجهی به شمار می‌آیند. استعاره‌های زبانی نیز از نوع یکوجهی‌اند؛ چرا که حوزه‌های مبدأ و مقصد آنها به صورت کلامی بیان می‌شوند. در مقابل، استعاره چندوجهی عبارت است از استعاره‌ای که حوزه مبدأ و مقصد آن منحصرأ یا غالباً در دو وجه متفاوت بیان می‌شود (فورسویل و اوریوس-اپاریسی، ۲۰۰۹: ۴). در این تعاریف، وجه^۳ عبارت است از هر نوع مجرای ارتباطی مانند زبان گفتاری و نوشتاری، زبان اشاره، تصویر، فیلم، موسیقی غیرکلامی و غیره که انسان از طریق آنها قادر به انتقال معنا است.

فورسویل (۲۰۰۶: ۳۹۱؛ ۲۰۰۹: ۳۱-۳۲) سرخ‌های می‌تواند پیوند استعاری میان دو مفهوم مبدأ و مقصد را در استعاره‌های تصویری یا چندوجهی نشان دهد شامل سه مورد می‌داند: (۱) شباهت ادراکی^۴ که فقط مختص به استعاره‌های یکوجهی است، به این معنا است که دو مفهوم مبدأ و مقصد از جهت یا جهاتی به هم شباهت داشته باشند. این شباهت می‌تواند از لحاظ رنگ، اندازه، وضعیت، بافت، جنس و غیره باشد. (۲) پر کردن یک خلأ طرحواره‌ای به طور غیرمنتظره^۵؛ یعنی چیزی را در جایگاهی قرار دهیم که آن جایگاه به‌طور طبیعی یا متعارف متعلق به چیز دیگری است؛ برای مثال اگر در یک تصویر در داخل جعبه پیانو، به جای پیانو تفنگ وجود داشته باشد دلالت بر استعاره «تفنگ پیانو است» دارد. (۳) سرخ‌دهی همزمان^۶؛ اگر مبدأ و مقصد در دو وجه متفاوت بازنمایی شوند، بازنمایی همزمان آنها می‌تواند در شناسایی مبدأ و مقصد کمک کند؛ مثلاً در یک آهنگی بازرگانی تصویر روغن ترمز نشان داده شود و همزمان صدای ترمز خودرو شنیده شود.

1. E. Urios-Aparisi
2. monomodal
3. mode
4. perceptual resemblance
5. filling a schematic slot unexpectedly
6. simultaneous cueing

7. contextual metaphor
8. hybrid metaphor
9. integrated metaphor
10. pictorial simile

است که استعاره مستلزم رابطه «الف، ب است» می‌باشد درحالی که مجاز مستلزم رابطه «الف به جای ب» است (رویز دمندزا، ۲۰۱۴: ۱۴۵؛ ایوانز و گرین^۵، ۲۰۰۶: ۳۱۱)؛ برای مثال، «زندگی، سفر است» در مقابل «معلول به جای علت»^۶.

لیکاف و ترنر^۷ (۱۹۸۹: ۱۰۳) سه تفاوت بین مجاز و استعاره را به صورت زیر بیان کرده‌اند:

(۱) در استعاره دو حوزه مفهومی وجود دارد در حالی که مجاز فقط شامل یک حوزه مفهومی است.

(۲) مجاز مستلزم رابطه «به جای» بین حوزه مبدأ و مقصد است. برای مثال، اگر بگوییم «چریسler صد کارگر را اخراج کرده است»، نام شرکت (= چریسler) به جای فرد یا افرادی به کار رفته است که مسئول تعیین سیاست‌های استخدامی شرکت هستند.

(۳) برخلاف استعاره که در آن نگاهت بین حوزه‌های مبدأ و مقصد به منظور درک و بیان حوزه مقصد براساس حوزه مبدأ صورت می‌گیرد، مجاز در درجه اول برای ارجاع به کار می‌رود و نه برای درک؛ یعنی به کمک یک چیز به چیزی دیگر ارجاع می‌دهیم.

همان طور که استعاره می‌تواند در قالب تصویر بیان شود، مجاز نیز می‌تواند از نوع تصویری باشد و در آن یکی از حوزه‌های مبدأ و مقصد یا هر دو آنها به صورت تصویری بازنمایی شوند.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش مشتمل بر هفت کارتون با موضوع «کتاب و کتاب‌خوانی» مربوط به سال ۱۳۹۸ است که در پایگاه‌های اینترنتی فارسی‌زبان داخلی منتشر شده‌اند. برای استخراج داده‌ها از جستجوی گوگل استفاده شده است و سپس از بین کارتون‌های یافت شده، آنهایی که از لحاظ استعاری غنی‌تر بوده‌اند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. کارتون‌های منتخب در پایگاه‌های اینترنتی کتاب‌نیوز، خبرگزاری ایانا، خبرگزاری تسنیم، زن امروز، پایگاه خبری دانشگاه پیام نور و خبرگزاری کتاب ایران انتشار یافته‌اند.

پس از گردآوری کارتون‌ها، استعاره‌ها و مجازهای مفهومی آنها در چارچوب نظریه استعاره چندوجهی (فورسویل، ۱۹۹۶، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹) تحلیل شده‌اند. شناسایی استعاره‌ها براساس معیارهای فورسویل (۱۹۹۶) صورت گرفته

ملی، شیر هستند» به ذهن متبادری شود. جدول ۱۲ نحوه بازنمایی حوزه‌های مبدأ و مقصد را در هر یک از انواع استعاره تصویری نشان می‌دهد.

جدول ۱. نحوه بازنمایی حوزه‌های مبدأ و مقصد در انواع استعاره‌های تصویری (براساس فورسویل، ۲۰۰۵)

استعاره یکپارچه	مبدأ و مقصد هم‌فضا هستند و تلفیق آنها در جهان واقع ممکن است
استعاره آمیخته	مبدأ و مقصد هم‌فضا هستند و تلفیق آنها در جهان واقع ناممکن است
تشبیه تصویری	مبدأ و مقصد ناهم‌فضا هستند و هر دو به تصویر درمی‌آیند
استعاره بافتی	مبدأ و مقصد ناهم‌فضا هستند و فقط مبدأ به تصویر درمی‌آید

مجاز مفهومی

علاوه بر استعاره، مجاز نیز در انتقال پیام کارتون‌ها نقش اساسی دارد. در زبان‌شناسی شناختی، مجاز همچون استعاره یک نگاهت مفهومی قلمداد می‌شود و برخلاف دیدگاه غیرشناختی، ماهیتی صرفاً زبانی ندارد و در آن، یک مفهوم برای اشاره و ارجاع به مفهومی دیگر به کار می‌رود. تفاوت اصلی مجاز با استعاره این است که در مجاز هر دو مفهوم مبدأ و مقصد متعلق به یک حوزه مفهومی هستند؛ در حالی که در استعاره مفاهیم مبدأ و مقصد متعلق به دو حوزه متفاوت هستند. به عبارت دیگر، مجاز مبتنی بر روابط مفهومی درون حوزه‌ای است اما استعاره مبتنی بر روابط بینا حوزه‌ای (رویز دمندزا^۴، ۲۰۱۴: ۱۴۴). از آنجا که در مجاز مفاهیم مبدأ و مقصد، هر دو در یک حوزه مفهومی قرار دارند، بین آنها رابطه مجاورت برقرار است. در اینجا منظور از مجاورت، مجاورت و هم‌وقوعی مفهومی است و نه مجاورت و نزدیکی مکانی؛ برای مثال، بین مفهوم کتاب و نویسنده آن رابطه مجاورت مفهومی وجود دارد، زیرا این دو همیشه با هم به ذهن متبادری شوند؛ بنابراین، می‌توان براساس مجاز «پدیدآورنده به جای محصول»^۴، از نام نویسنده کتاب برای اشاره به خود آن کتاب استفاده کرد؛ مثلاً «دیروز یک حافظ خریدم». در اینجا «حافظ» در واقع اشاره به «دیوان شعر» او دارد. تفاوت دیگری که بین استعاره و مجاز وجود دارد این

5. V. Evans & M. Green
6. EFFECT FOR CAUSE
7. M. Turner

1. homospatial
2. F. Ruiz de Mendoza
3. contiguity
4. PRODUCER FOR PRODUCT

حوزه و نوع استعاره تصویری شکل گرفته بررسی شده و نحوه رمزگذاری و انتقال پیام اصلی کارتون تشریح شده است. همچنین نحوه تعامل میان استعاره و مجاز در انتقال پیام کارتونها ارزیابی شده است.

تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی داده‌های پژوهش براساس نظریه استعاره چندوجهی می‌پردازیم.

است. وی سه معیار را برای شناسایی استعاره ذکر کرده است: (۱) شناسایی دو حوزه مفهومی در آن؛ (۲) شناسایی یکی از حوزه‌ها به‌عنوان مقصد و دیگری به‌عنوان مبدأ؛ (۳) شناسایی یک یا چند ویژگی حوزه مبدأ که برحوزه مقصد نگاشته شده باشد. حال اگر این سه معیار در یک تصویر وجود داشته باشد می‌توان آن را استعاره تصویری دانست. در نهایت، پس از شناسایی استعاره‌های تصویری و حوزه‌های مبدأ و مقصد آنها، انواع نگاشت‌های بین این دو



کارتون ۱. کتاب‌نیوز (<https://ketabnews.com>)

چند نگاشت مفهومی بین مؤلفه‌های حوزه مبدأ (یعنی سفر) و حوزه مقصد (یعنی کتاب‌خوانی/مطالعه) برقرار شده است. این نگاشت‌ها عبارتند از:

سفر کردن = مطالعه کردن؛ وسیله سفر = کتاب؛ مسافران = افراد کتابخوان

پیام اصلی این کارتون مبتنی بر یک استدلال قیاسی^۱ است. همان‌طور که موسلف^۲ (۲۰۰۴: ۳۴) اشاره می‌کند، یکی از کاربردهای استعاره‌ها در گفتمان این است که از آنها برای استدلال قیاسی استفاده می‌شود. در استدلال قیاسی بر مبنای استعاره، براساس رابطه‌ای که بین دو یا چند مؤلفه در حوزه مبدأ وجود دارد، در مورد رابطه بین مؤلفه‌های حوزه مقصد

در اینجا تجلی تصویری استعاره «کتاب وسیله سفر است» را می‌بینیم و از آنجا که تصویر کتاب در واقع به‌طور مجازی دلالت بر عمل کتاب‌خوانی و مطالعه دارد، در پشت این استعاره، استعاره مفهومی «مطالعه، سفر است» قرار دارد. به باور فورسویل (۱۹۹۶: ۲۳)، مفهوم «سفر» یک مفهوم کاملاً ساختارمند و نظام‌مند است؛ زیرا عناصر و مؤلفه‌های متعددی دارد که می‌توان آنها را به حوزه‌های مقصد نگاشت داد. بعضی از مهمترین مؤلفه‌های سفر عبارتند از: مسیر، مسافر، وسیله حمل و نقل، تأخیر، توقف‌های بین راه، هزینه‌ها، موانع احتمالی، خطرها و غیره. به دلیل همین غنای مفهومی، حوزه سفر یکی از حوزه‌های مبدأ بسیار پرکاربرد در استعاره‌هاست و برای بیان مفاهیم مختلف از جمله زندگی، عشق و مرگ به کار می‌رود. در کارتون شماره یک

1. analogical reasoning
2. A. Musolff

براساس طبقه‌بندی فورسویل (۲۰۰۵، ۲۰۰۷) از استعاره‌های تصویری، استعاره «کتاب، وسیله سفر است» از نوع آمیخته به شمار می‌آید؛ زیرا در آن تصویر کتاب و هواپیما با هم آمیخته شده‌اند و تصویر حاصل به نوعی دلالت بر هر دو مفهوم دارد. تفسیر این نوع استعاره‌ها مستلزم این است که یکی از مفاهیم را برحسب مفهوم دیگر درک کنیم. در کارتون بالا، مفهوم کتاب به واسطه هواپیما درک می‌شود که گویی مسافران وارد آن شده و رهسپار سفر می‌شوند.

استدلال صورت می‌گیرد. استدلال قیاسی موجود در کارتون شماره یک را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: «همان‌طور که فرد می‌تواند با هواپیما به سفر برود، با (مطالعه) کتاب نیز می‌تواند به سفر در دنیای دانش و آگاهی بپردازد». در این استدلال قیاسی، براساس رابطه بین هواپیما و سفر در حوزه مبدأ استعاره، در مورد رابطه بین کتاب و کسب دانش/آگاهی در حوزه مقصد استدلال می‌شود.



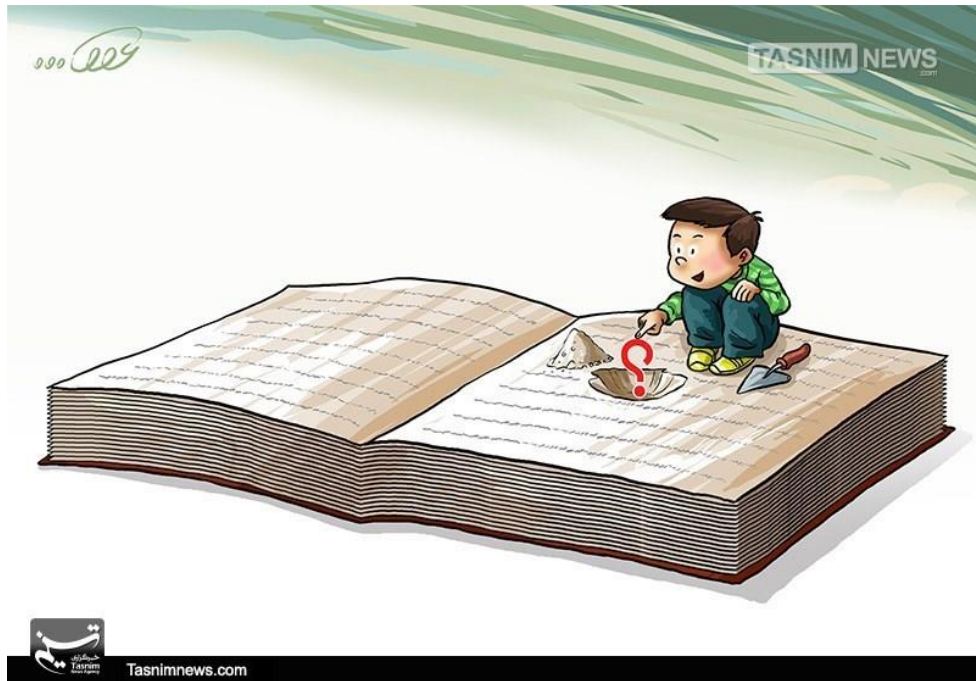
کارتون ۲. خیرگزاری ایانا (<http://www.iana.ir>)

مزرعه = کتاب؛ شخم‌زدن = مطالعه کردن؛ محصول کشاورزی = آگاهی و دانش
این نگاهت‌های استعاری باعث شکل‌گیری یک استدلال قیاسی در ذهن ما می‌شوند که آن را می‌توان به این صورت بیان کرد: «همان‌طور که ما اگر مزرعه را شخم‌بزنیم دانه از آن می‌روید و محصول برداشت می‌کنیم؛ اگر کتاب‌ها را مطالعه کنیم، آگاهی و دانش به دست می‌آوریم.»
همان‌طور که در کارتون شماره دو می‌بینیم، برای بیان مفهوم مطالعه/کتاب‌خوانی از مفاهیم حوزه کشاورزی/زراعت استفاده شده است و استعاره مفهومی زیربنایی این کارتون را می‌توان «مطالعه، زراعت است» در نظر گرفت. استعاره تصویری موجود در این کارتون از نوع استعاره بافتی

در کارتون شماره دو کتابی را می‌بینیم که صفحات آن سفید است و تراکتوری در حال شخم‌زدن آن است. در اثر شخم‌زدن، گیاهانی در صفحه کتاب رویده‌اند. در این تصویر با نمونه‌ای از پر کردن خلأ طرحواره‌ای به طور غیرمنتظره (فورسویل، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹) مواجه هستیم. به این صورت که ما بر اساس تجربیات و دانش پس‌زمینه‌ای خود، روی صفحات کتاب انتظار دیدن نوشته‌ها را داریم اما به‌طور غیرمنتظره با منظره زمین کشاورزی و شخم‌زدن مواجه می‌شویم. در اثر این تلفیق، دو استعاره تصویری «کتاب مزرعه است» و «مطالعه کتاب، شخم‌زدن آن است» شکل گرفته‌اند که مبنای درک پیام کارتون هستند. در این دو استعاره تصویری سه نگاهت مفهومی اصلی وجود دارد:

شده است، مفاهیم مقصد استعاری‌اند. دیگر نکته قابل توجه در این کارتون این است که کتاب در بیابانی خشک و ترک‌خورده گشوده شده است. این بیابان می‌تواند به‌طور استعاری دلالت بر جهان امروز ما داشته باشد و به نظر می‌رسد که افتادن کتاب در این بیابان دلالت بر این معنا دارد که کتاب و به بیان دقیق‌تر، مطالعه، تنها راه آبادانی دنیاست.

است؛ زیرا بر روی صفحات کتاب به‌مثابه بافت، به‌جای نوشته‌ها و نشانه‌هایی که حاکی از مطالعه کردن باشد به‌طور غیرمنتظره تصویر تراکتور، شخم‌زن و گیاهان روئیده را می‌بینیم. بنابراین، مفاهیمی که به تصویر درآمده‌اند، مانند شخم‌زنی و مزرعه و محصول، مفاهیم مبدأ استعاری‌اند و مفاهیمی که جایگاه‌شان با این مفاهیم مربوط به زراعت پر



کارتون ۳. خبرگزاری تسنیم (<https://www.tasnimnews.com>)

«همان‌طور که با کندن زمین گنج‌خیز می‌توان به گنج دست پیدا کرد، با مطالعه کتاب نیز می‌توان به دانش و آگاهی رسید.»
استعاره تصویری موجود در کارتون شماره سه از نوع استعاره بافتی است، زیرا در بافتی که انتظار مواجهه با تصاویر مرتبط با مطالعه و کتاب‌خوانی را داریم، با تصویر حفر چاله و بیلچه و گنج مواجه می‌شویم؛ بنابراین، مفاهیم مربوط به گنج‌یابی مفاهیم مبدأ استعاری‌اند و مفاهیم مربوط به کتاب و مطالعه مفاهیم مقصد هستند. استعاره مفهومی زیربنایی کارتون سه را می‌توان به صورت «مطالعه، پیدا کردن گنج است» بیان کرد. در اینجا ما با پرکردن خلأ طرحواره‌ای به طور غیرمنتظره (فورسویل، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹) مواجه هستیم. به این صورت که ما بر اساس تجربیات و دانش پس‌زمینه‌ای خود، روی صفحات کتاب انتظار دیدن نوشته‌ها را داریم اما به‌طور غیرمنتظره با منظره زمین کشاورزی و شخم‌زدن مواجه می‌شویم.

استعاره تصویری بازنمایی‌شده در کارتون شماره سه را می‌توان به صورت «کتاب زمین گنج‌خیز است» بیان کرد. میان مفهوم گنج به‌عنوان شیء یا مجموعه‌ای از اشیای بارز از یک طرف، و آنچه در کتاب یافت می‌شود از طرف دیگر، نگاشت مفهومی برقرار شده است. از آنجا که در کتاب چیزهایی از قبیل آگاهی و دانش می‌توان یافت، نگاشت‌های استعاری موجود در این کارتون عبارتند از:

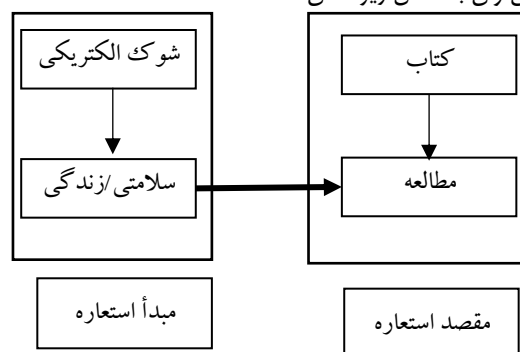
زمین گنج‌خیز = کتاب؛ گنج = دانش/آگاهی؛ پیدا کردن گنج = مطالعه کردن؛ یابنده گنج = فرد کتاب‌خوان
پرکردن خلأ طرحواره‌ای به‌طور غیرمنتظره در این کارتون به این صورت است که به‌جای آنکه فردی کتاب را در دست بگیرد بر روی کتاب نشسته و آن را مانند زمین می‌کند قیاس استنباطی که براساس استعاره تصویری موجود در کارتون شماره سه به ذهن متبادری شود و حاوی پیام اصلی کارتون است، عبارت است از:



کارتون ۰۴. زن امروزی (https://www.zanemrooz.com)

استعاره مفهومی در کارتون شماره چهار را می‌توان به صورت «مطالعه، سلامتی (یا زندگی) است» بیان نمود. در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ به‌طور مجازی توسط تصویر شوک الکتریکی و حوزه مقصد توسط تصویر کتاب بازنمایی شده‌اند. استعاره تصویری موجود در کارتون چهار از نوع استعاره بافتی است. در بافتی که در تصویر مشاهده می‌شود (شامل بیهوش افتادن فرد، حضور پزشک، دستگاه شوک الکتریکی و جعبه کمک‌های اولیه)، به‌طور غیرمنتظره به جای بخشی از دستگاه شوک الکتریکی، دو عدد کتاب قرار گرفته است. کتاب که در اینجا بازنمایی شده حوزه مقصد است و شوک الکتریکی که جایگاهش با کتاب پر شده حوزه مبدأ است. نکته دیگری که در این کارتون قابل توجه است این است که گویی فرد در اثر تماشای بیش از حد تلویزیون یا ماهواره و دیگر رسانه‌های صوتی-تصویری خانگی دچار بیهوشی شده‌است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر استعاره یادشده، استعاره دیگری نیز در این کارتون وجود دارد که در نقطه مقابل استعاره «کتاب، زندگی است» قرار می‌گیرد و آن عبارت است از «رسانه‌های صوتی-تصویری، مرگ‌اند». این استعاره و استعاره «کتاب زندگی است» باعث ایجاد تقابل بین دو عمل تماشای تلویزیون/ماهواره و مطالعه کتاب می‌گردد که همان پیام اصلی کارتون است. این پیام به‌واسطه استدلال قیاسی زیر بیان شده است:

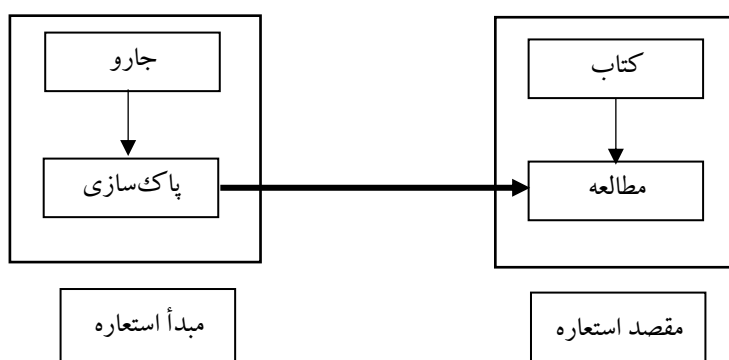
در کارتون شماره چهار با استعاره تصویری «کتاب شوک الکتریکی است» مواجه‌ایم که هم حوزه مبدأ (شوک الکتریکی) و هم حوزه مقصد آن (کتاب) دارای معنای مجازی‌اند؛ به این صورت که کتاب مجاز از مطالعه کردن است و شوک الکتریکی که باعث احیای فرد بیمار می‌شود، مجاز از زندگی و حیات است. بنابراین در این کارتون تعامل بین فرآیندهای شناختی استعاره و مجاز را به‌خوبی می‌توان یافت که یکی از زمینه‌های پژوهشی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی است و پژوهشگرانی مانند رویز دمندزا و دیبیز^۱ (۲۰۰۲) و رویز دمندزا (۲۰۱۴) درباره آن به مطالعه و اظهار نظر پرداخته‌اند. در استعاره یادشده، در هر دو حوزه مبدأ و مقصد با عملکرد فرآیند مجاز روبرو هستیم که آن را می‌توان به شکل زیر نشان داد:



شکل ۱. استعاره مفهومی «مطالعه، سلامتی (یا زندگی) است»

تصویری اصلی که در بدو امر در این کارتون به ذهن متبادری شود عبارت است از استعاره «کتاب، جارو است» که در آن از حوزه مفهومی نظافت به‌عنوان حوزه مبدأ استعاری استفاده شده است. از آنجا که جارو ابزاری برای تمیز کردن و نظافت است، می‌توان به استعاره مفهومی «کتاب، پاک‌کننده ذهن است» رسید که به نظر می‌رسد بیانگر پیام اصلی کارتون باشد. به عبارت دیگر، معنای موردنظر کارتنیست این بوده است که مطالعه ذهن انسان را از جهل و ناآگاهی پاک می‌کند؛ بنابراین، کتاب به‌طور مجازی دلالت بر مطالعه دارد و جارو زدن دلالت بر زدودن و پاک کردن. در اینجا می‌توان این استدلال قیاسی را استنباط نمود: «همان‌طور که با جارو می‌توان آلودگی و ناپاکی را از بین برد، با مطالعه کتاب نیز می‌توان جهل و ناآگاهی را از بین برد.»

استعاره تصویری موجود در کارتون شماره پنج از نوع استعاره آمیخته است که در آن اجزای جارو و کتاب به گونه‌ای با هم تلفیق شده‌اند که یکی به عنوان حوزه مبدأ و دیگری به عنوان حوزه مقصد استعاری درک می‌شود. در نهایت، استعاره مفهومی زیربنایی این کارتون را می‌توان «مطالعه، پاک‌سازی ذهن است» دانست که در آن مفهوم مبدأ به‌طور مجازی توسط تصویر جارو و مفهوم مقصد به‌طور مجازی توسط تصویر کتاب بازنمایی شده‌اند. بنابراین، این استعاره مفهومی را می‌توان به شکل زیر نشان داد:



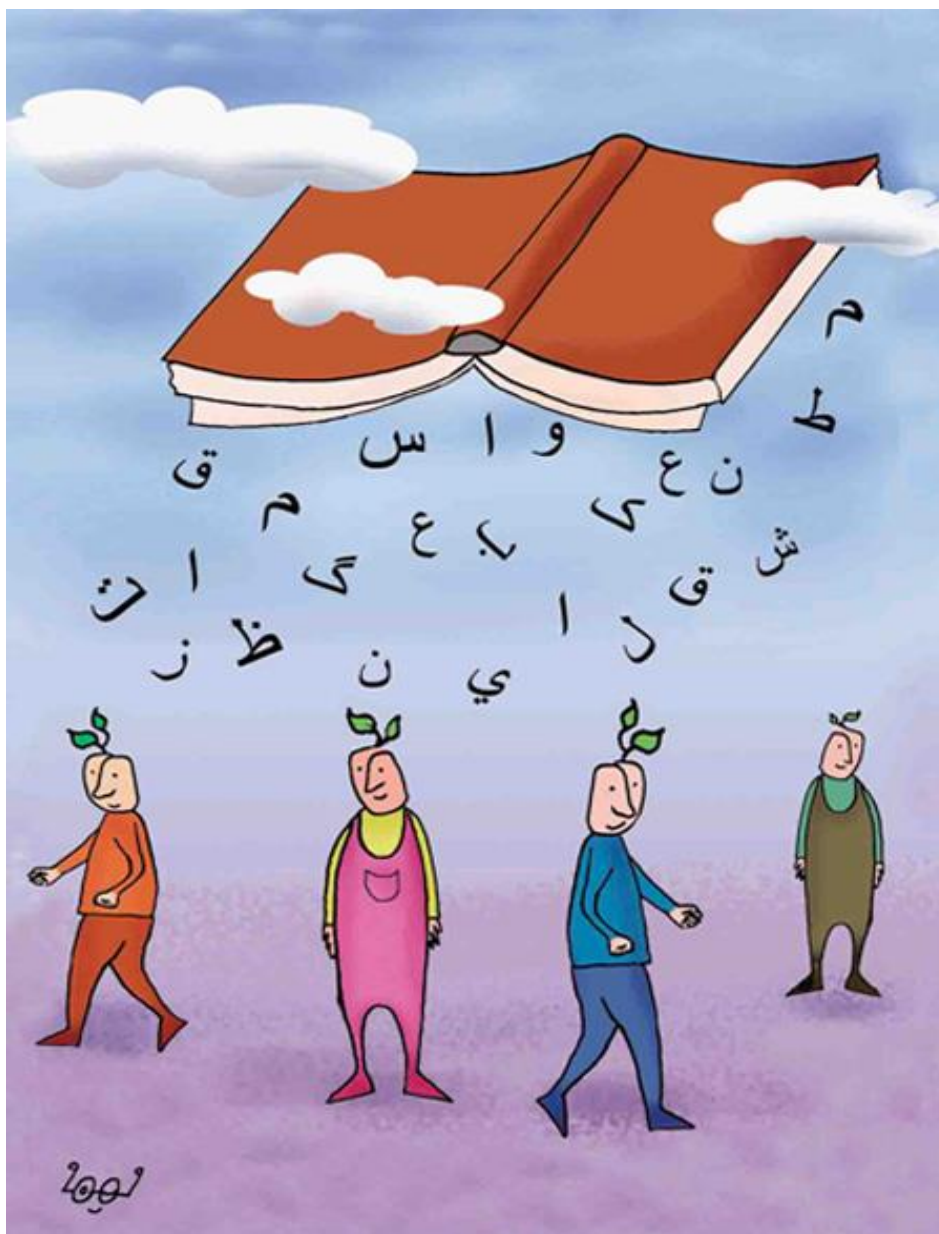
شکل ۲. استعاره مفهومی «مطالعه، پاک‌سازی ذهن است»

«همان‌طور که دستگاه شوک الکتریکی می‌تواند فرد بیمار را احیا کند، مطالعه کتاب نیز می‌تواند به فردی که در اثر تماشای بیش از حد تلویزیون/ماهواره بیمار ذهنی شده است زندگی دوباره ببخشد.»



کارتون ۵. زن امروزی (<https://www.zanemrooz.com>)

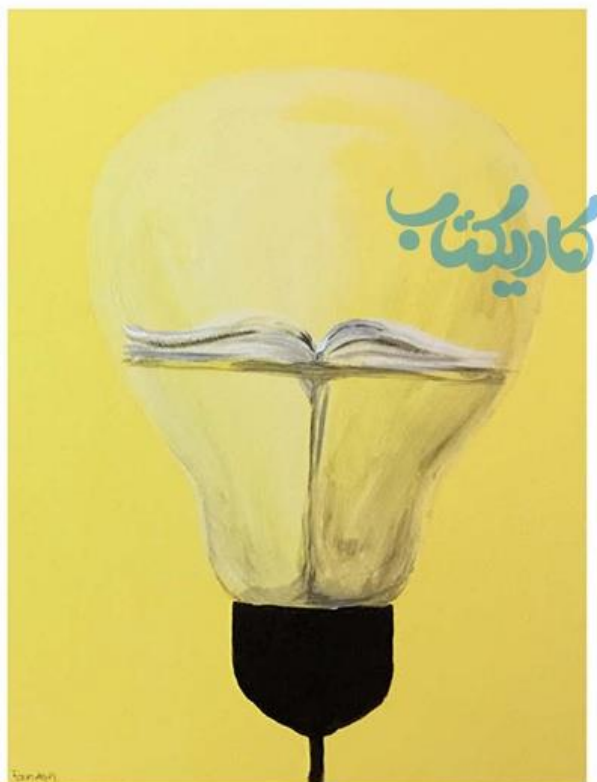
در کارتون شماره پنج پرکردن خلأ طرحواره‌ای به‌طور غیرمنتظره به این صورت است که در جارویی که به دست فرد تمیزکار است، تصویر کتاب قرار گرفته است و همین امر سبب شکل‌گیری استعاره مفهومی شده است. استعاره



کارتون ۶. پایگاه خبری دانشگاه پیام نور (<https://upna.ir>)

را قادر ساخته است که این پیام را برساند که با رسیدن مطالب کتاب به ذهن انسان، ذهن او شکوفایی شود. شکوفایی در اینجا می‌تواند بیانگر رشد و تعالی باشد. بنابراین در اینجا با استعاره مفهومی «مطالعه، بارندگی است» روبرو هستیم. این استعاره مفهومی متضمن نگاشت‌های متعددی است، مانند: ابر: کتاب؛ بارندگی: مطالعه؛ باران: محتوای کتاب؛ زمین: ذهن انسان؛ رویش: آگاهی. استعاره‌های تصویری در کارتون شماره شش از نوع بافتی هستند، زیرا به‌طور غیرمنتظره کتابی در بین ابرها به تصویر درآمده است و حروف آن به‌شکل باران بر سر افراد می‌ریزند.

استعاره‌های تصویری بازنمایی شده در کارتون شماره شش عبارتند از: «کتاب، ابر باران‌زا است» و «مطالب کتاب، باران‌اند». حاصل این بارندگی، رویش است. پس استعاره‌های تصویری «مغز/ذهن انسان زمین حاصل‌خیز است» و «آگاهی رویش است» نیز به‌طور ضمنی در این کارتون یافت می‌شوند. در تصویر به جای قطرات باران، از کتاب حروف می‌ریزد. حروف به‌طور مجازی دلالت بر مطالب و محتوای کتاب دارند. از آنجا که مفاهیمی مانند مطلب/محتوا/مفهوم و مانند این‌ها مفاهیمی انتزاعی‌اند و نمی‌توان آن را به تصویر کشید، مجاز «حروف به‌جای مطالب» به یاری کارتون‌نویست آمده و او



کارتون ۷. خبرگزاری کتاب ایران (<https://www.ibna.ir>)

به صورت یک زنجیره متوالی نشان داد: «باز بودن کتاب به جای مطالعه کردن به جای آگاهی/دانایی». در نقطه مقابل آن، مجاز دوگانه دیگری در شکل سمت چپ به چشم می‌خورد که زنجیره نگاشت‌های آن به صورت «بسته بودن کتاب به جای مطالعه نکردن به جای ناآگاهی/نادانی» بیان می‌شود. در این نوع مجازها دو نگاشت مفهومی متوالی وجود دارد و حوزه مقصد نگاشت اول در نقش حوزه مبدأ نگاشت دوم ظاهری می‌شود.

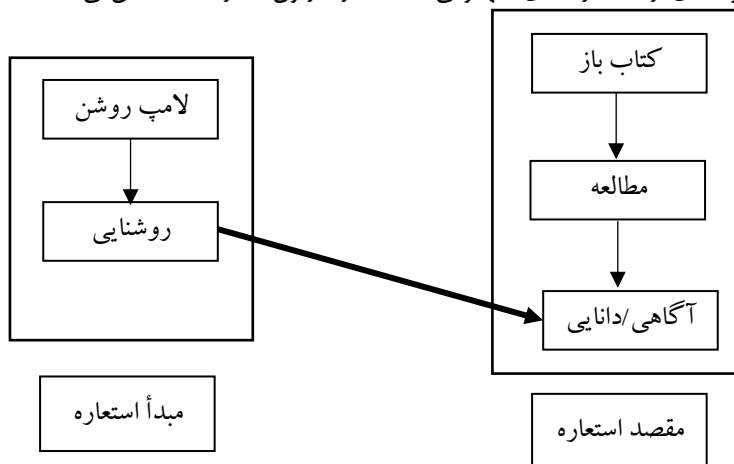
استعاره‌های مفهومی زیربنایی در کارتون شماره هفت عبارتند از: «مطالعه، روشنی است» و «عدم مطالعه، تاریکی است». در دو استعاره یادشده از مفاهیم عینی روشنی و تاریکی برای بیان مفاهیم انتزاعی آگاهی یا نادانی استفاده شده است. روشنی و تاریکی از تجربه‌های اساسی انسانند و ویژگی‌های آنها که غالباً با شرایط آب و هوایی همراه است می‌توانند برای بیان و درک سایر حوزه‌های انتزاعی به کار روند (کووچش، ۲۰۱۰: ۲۱)؛ برای مثال هنگامی که می‌گوییم «توضیحات روشنی دادند»، «روابط دو کشور تیره شده

در کارتون شماره هفت در تصویر سمت چپ، کتابی بسته درون حباب لامپ قرار دارد و لامپ خاموش است. اما در تصویر سمت راست کتاب گشوده شده و لامپ روشن شده است. هم‌وقوعی مفاهیم بسته بودن کتاب با خاموش بودن لامپ و باز بودن کتاب با روشن بودن لامپ پیام کارتون را شکل می‌دهد. بسته بودن کتاب مجاز از عدم مطالعه و باز بودن آن مجاز از مطالعه است. استعاره‌های تصویری که در کارتون هفت مشاهده می‌شوند عبارتند از: «کتاب باز، روشنی است» و «کتاب بسته، تاریکی است». حال، خود حوزه‌های مبدأ در این دو استعاره، به طور مجازی دلالت بر مطالعه کردن و مطالعه نکردن دارند. این دو مفهوم نیز به نوبه خود دلالت بر آگاهی/دانایی و ناآگاهی/نادانی دارند که در اینجا با مجاز «علت به جای معلول» روبرو هستیم. بنابراین در شکل سمت راست دو نگاشت متوالی اتفاق می‌افتد: (۱) «باز بودن کتاب به جای مطالعه کردن»؛ (۲) «مطالعه کردن به جای آگاهی/دانایی». به تبعیت از رویزدمندزا و دییز (۲۰۰۲)، این نوع مجاز را می‌توان مجاز دوگانه^۱ نامید و آن را

2. Z. Kövecses

1. double metonymy

«آگاهی/دانایی روشنایی است» و در مقابل آن، «ناآگاهی/نادانی تاریکی است» در نظر گرفت که در آنها هم حوزه مبدأ و هم حوزه مقصد شامل مجاز است. وجود رابطه مجازی در حوزه مبدأ یا مقصد استعاره یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تعامل بین استعاره و مجاز به حساب می‌آید (رویز دمندزا و دیبیز، ۲۰۰۲). شکل زیر تعامل بین استعاره و مجاز را در کارتون شماره هفت نشان می‌دهد



شکل ۳. استعاره مفهومی «آگاهی/دانایی روشنایی است»

است» یا «کدورت‌ها را از دل بزداييم» از حوزه مبدأ روشنایی و تاریکی استفاده کرده‌ایم. کاربرد استعاره مفهومی روشنایی/نور برای درک و بیان مفاهیمی مانند آگاهی و دانایی در زبان فارسی امری رایج است و در واژه‌سازی این زبان نیز نقش ایفا می‌کند؛ برای مثال در واژه‌های «روشن‌فکر»، «روشن‌اندیش» و «روشنگر». دو استعاره مذکور را می‌توان زیرمجموعه‌ای از استعاره‌های مفهومی

هستند. در همه این استعاره‌های مفهومی، حوزه مقصد (یعنی مطالعه) به صورت مجازی به واسطه تصویر کتاب بازنمایی شده است و مفاهیم مبدأ نیز به طور مجازی توسط تصاویری از قبیل پله‌های هواپیما، تراکتور، حفر زمین، دستگاه شوک الکتریکی، جارو، ابر و کتاب باز بازنمایی شده‌اند. بنابراین، تعامل بین دو فرآیند شناختی استعاره و مجاز نقش اساسی در شکل‌گیری استعاره‌های تصویری و انتقال پیام کارتون‌ها دارد. همچنین، حوزه‌های مبدأ سفر، کشاورزی، گنج، سلامت، نظافت و نیز پدیده‌های طبیعی (رویش و روشنایی) به عنوان حوزه مبدأ استعاره استفاده شده‌اند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که تمامی استعاره‌های تصویری موجود در کارتون‌ها از نوع آمیخته یا بافتی هستند.

مجاز «کتاب به جای مطالعه» که در همه کارتون‌های بررسی شده مشاهده می‌شود در واقع نمونه‌ای از مجاز «شیء دخیل در عمل به جای عمل»^۱ است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳۱۷). در اینجا، شیء دخیل در عمل «کتاب» است و خود عمل «مطالعه/کتاب‌خوانی». از آنجا که به تصویر کشیدن عمل مطالعه در کارتون‌ها کم یا بیش دشوارتر از به تصویر

هر دو استعاره تصویری موجود در کارتون شماره هفت از نوع بافتی هستند؛ چرا که داخل جیب لامپ به جای رشته‌های سیم، به طور غیرمنتظره با تصویر کتابی باز یا بسته مواجه می‌شویم.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج کلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ما برای تفکر درباره مفهوم کتاب‌خوانی و بیان مزایا و فواید مختلف آن دست به دامان استعاره‌ها می‌شویم و به همین دلیل است که در کارتون‌های بررسی شده در این پژوهش، استعاره‌های تصویری تجلی قابل توجهی دارند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه برای بیان مفهوم کتاب‌خوانی یا مطالعه از چه استعاره‌های مفهومی‌ای استفاده شده و حوزه‌های مبدأ در این استعاره‌ها کدامند، بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که استعاره‌های «مطالعه، سفر است»، «مطالعه، زراعت است»، «مطالعه، پیدا کردن گنج است»، «مطالعه، سلامتی (یا زندگی) است»، «مطالعه، پاک‌سازی ذهن است»، «مطالعه، بارندگی است» و «مطالعه، روشنایی است» استعاره‌های مفهومی در کارتون‌های مطالعه‌شده

1. object involved in the action for the action

کارتون‌ها در ایران هنوز چندان مورد توجه پژوهشگران حوزه استعاره قرار نگرفته است و به‌ویژه کارتون‌های مرتبط با آیین و اصول شهروندی بسیار مغفول مانده‌اند، پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغاز و الهام‌بخشی برای مطالعات بیشتر در حوزه کارتون‌ها و به‌ویژه کارتون‌های شهروندی باشد. مهمترین نوآوری پژوهش حاضر این است که نشان می‌دهد موضوع کتاب و کتاب‌خوانی که جزء دغدغه‌های مردم و مسئولان در سال‌های اخیر است می‌تواند از دیدگاه زبان‌شناسی و به‌ویژه زبان‌شناسی شناختی مطالعه شود و شیوه‌های ترغیب و دعوت مردم به مطالعه و کتاب‌خوانی مورد تفحص علمی و حتی آسیب‌شناسی قرار گیرد.

این پژوهش، علاوه بر دستاوردهای نظری که در بالا اشاره شد، می‌تواند از لحاظ کاربردی نیز برای کارتونیست‌ها این دستاورد را داشته‌باشد که آنها را نسبت به اهمیت و نقش استعاره و مجاز در انتقال پیام کارتون‌ها و نحوه عملکرد و تعامل این دو فرایند شناختی آگاه‌سازد و با توجه به انواع استعاره‌های تصویری که فورسویل (۲۰۰۵، ۲۰۰۷) مطرح کرده است، گزینه‌های مختلفی را در مقابل کارتونیست‌ها قرار دهد تا از میان آنها دست به انتخاب بزنند و پیام موردنظر خود را به بهترین شکل در قالب استعاره تصویری درآورند.

رضایی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی استعاره‌های کلامی و غیرکلامی در پوسته‌های مذهبی و ملی براساس رویکرد شناختی فورسویل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

غیاثیان، مریم سادات؛ مینا وندحسینی، بهمن زندی و محمدرضا احمدخانی (۱۳۹۷). خوانشی بر استعاره‌های تصویری روزنامه همشهری در بحران‌های زیست‌محیطی کلانشهر تهران. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، صص ۱۶۹-۱۹۵.

Edwards, J. L. & Winkler, C. K. (1997). Representative form and the visual ideograph: The Iwo Jima image in editorial cartoons. *Quarterly Journal of Speech*, 83(3), 289-310.

Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

Forceville, C. (1996). *Pictorial metaphor in*

کشیدن کتاب به‌مثابه یک شیء فیزیکی است، این مجاز «کتاب به‌جای مطالعه» کارتونیست را قادر می‌سازد که مفهوم موردنظر خود را راحت‌تر به تصویر درآورد. در شکل‌گیری معنای این کارتون‌ها تعامل استعاره و مجاز به‌عنوان دو فرآیند شناختی اساسی نقش مهمی دارد. مجاز می‌تواند درون حوزه مبدأ یا مقصد یک استعاره شکل گیرد (ر. ک: رویز دمندزا و دبیز، ۲۰۰۲). تحلیل‌های صورت‌گرفته در این پژوهش نشان داد که در همه کارتون‌ها، هم درون حوزه مبدأ و هم درون حوزه مقصد استعاره، فرآیند مجاز نیز دخیل است و این دو فرآیند شناختی در تعامل با یکدیگر معنای کارتون‌ها را انتقال می‌دهند.

یکی دیگر از نتایج پژوهش این است که پیام همه کارتون‌ها مبتنی بر یک فرآیند مفهومی به‌نام استدلال قیاسی است که در آن برحسب روابط بین مؤلفه‌های حوزه مبدأ استعاری، در مورد رابطه بین مؤلفه‌های حوزه مقصد استدلال صورت می‌گیرد. برای مثال پیام اصلی کارتون شماره یکمبتنی بر این استدلال قیاسی است: «همان‌طور که فرد می‌تواند با هواپیما به سفر برود، با کتاب نیز می‌تواند به سفر در دنیای دانش و آگاهی بپردازد».

با توجه به اینکه بحث استعاره و مجاز تصویری در

منابع

بصائری، سلمان و خزائی، محمد (۱۳۹۲). جلوه‌های استعاره در نظام نشانه‌ای دیداری پوسته‌های عاشورایی. *نقد ادبی*، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۴۹-۶۵.

پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۳). بررسی استعاره‌های تصویری - کلامی در چند پوسته مناسبتی زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱۹-۳۵.

پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۵). نقش استعاره تصویری در تحلیل انتقادی کلام: مطالعه کاریکاتورهای سیاسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۸، شماره ۱ (پیاپی ۱۴)،

صص ۳۷-۵۲.

advertising. London/New York: Routledge.

Forceville, C. (2005). When is something a pictorial metaphor? [Lecture 2 in eight-lecture Course in Pictorial and Multimodal metaphor]. <http://www.chass.utoronto.ca/epc/srb/cyber/forcevilleout.html>.

Forceville, C. (2006). Non-verbal and multimodal metaphor in a cognitivist

- framework: Agendas for research. In G. Kristiansen, M. Achard, R. Dirven, and F. Ruiz de Mendoza Ibáñez (Eds.). *Cognitive linguistics: Current applications and future perspectives* (pp.379–402). Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Forceville, C. (2007). Multimodal metaphor in ten Dutch TV commercials. *Public Journal of Semiotics*, 1(1): 19-51.
- Forceville, C. (2008). Metaphors in pictures and multimodal representations. In R. W. Jr. Gibbs (ed.). *The Cambridge handbook of metaphor and thought* (pp. 462-482). Cambridge: Cambridge University Press.
- Forceville, C. (2009). Non-verbal and multimodal metaphor in a cognitivist framework: Agendas for research. In C. J. Forceville & E. Urios-Aparisi (eds.), *Multimodal metaphor* (pp. 19-42). London: Mouton de Gruyter.
- Forceville, C., & Urios-Aparisi, E. (2009). Introduction. In C. Forceville, & E. Urios-Aparisi, (Eds.), *Multimodal metaphor* (pp.3-17). Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction* (2nd Ed.). New York: Oxford University Press.
- Krstić, A., Aiello, G., & Vladislavljević, N. (2020). Visual metaphor and authoritarianism in Serbian political cartoons. *Media, War & Conflict*, 13(1), 27-49.
- Kwon, I. (2019). Conceptual mappings in political cartoons: A comparative study of the case of nuclear crises in US-North Korean relations. *Journal of Pragmatics*, 143, 10-27.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Turner, M. (1989). *More than reason: A field guide to poetic metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202-251). New York: Cambridge University Press.
- Musolf, A. (2004). *Metaphor and political discourse: Analogical reasoning in debates about Europe*. New York: Palgrave Macmillan.
- Ojha, A. (2013). *An experimental study on visual metaphor*. (Doctoral Dissertation) International Institute of Information Technology, Hyderabad, India.
- Ruiz de Mendoza, F. (2014). On the nature and scope of metonymy in linguistic description and explanation: Towards settling some controversies. In J. Littlemore & J. R. Taylor (eds.), *The Bloomsbury companion to cognitive linguistics* (pp. 143-166). London: Bloomsbury.
- Ruiz de Mendoza, F., & Díez, O. (2002). Patterns of conceptual interaction. In R. Dirven & R. Pörings (eds.), *Metaphor and metonymy in comparison and contrast* (pp. 489-532). Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Silaški, N., & Đurović, T. (2019). The journey metaphor in Brexit-related political cartoons. *Discourse, Context & Media*, 31, 1-10.



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)